منشی انوار حسین تسلیم سہسوانی
در مطبع نامی منشی نولکشور بار انطباع یافت

بسم الله الرحمن الرحیم

خدائی که آفرینندهٔ بام و شام ست حمدش تاج الکلام خاص و عام ست منکه نابلد کوچهٔ سخنم
و ناآشنای این فن و رباوتا اتیان ندارم چه بر طبق عرض گذارم بفرض محال اگر درین راه
پویم بجز این مربع چه گویم که کریم ست و رحیم ست بنده نواز ست و چاره ساز ست اما بعد
خوشه چین کشت سخنوران شمع افروز بزم معنی گستران از دست خرد پیچیده پای کج مج زبان
پیچیم برای بیچاره بالش افتخار کج می نشیند و بگوشهٔ چشم خود را می بینند که امروز شعلهٔ جمال شاهد معنی
بزم افروز من ست و از فیض قدومش هر گوشهٔ بساط قدسی انجمن ست یعنی مسودهٔ مثنوی
لائق دید الموسوم به اختراع جدید معنی خیز لطف انگیز که از ریزش طبع سخن آفرین
۱۲۹۳ھ
وسعی خاطر معنی شکار رئیس ابن رئیس ابن رئیس رای کشن کمار وقار ست دام دولتهم
وزاد صولتهم از آنجا که من قدیم چاکر این بارگاهم و از حوادث روزگار بظل حمایتش
می پناهم بحکم تنگی وقت درین مقام خوش نمی بینم که کالای بدائع لائق در دکان بیان چینم
البته اینقدر بسنده و پسند ست که آقای من ثانی حاتم و قاآنی ست و ثناگر رشید

منشی محمد انوار حسین تسلیم سهسوانی ست مداد حروف خویش را چشمک چشم ساخت
و بلطف معنیش چشم دیگر دیدنی از نظر انداخت چونکه ابیات مثنوی هیجده ره ست
به دوازده مقام سرایندش خوش شناست تنی با شاره اعداد دوازده برج آسمان
گفتنش زیباست از دوازده بیت پنج بیت چون پنجه خورشید برافق تلویح درخشید
و هفت بیت چون هفت دریا در ارض تمدیح جوشید چون آن دریا را در قطره دیدیم و صحرا را
در ذره بی سر گوشی خامه سواد برداشتم و بطبع آن مطبوع طبع همت برگماشتم حق معرفت
این ست و خلاصه غرض چنین ست که تنها خوری پسند نساختم و بجمعیت طبع یاران سخن سنج
بپرداختم هم بحکم سیری طبع دل را که به تصدیع بردن آورده ام و تکلیف زاندازه وهم
تحریر و تقریر در تکلف کرده ام غرض از تعلیم کور ذوقی ست که مخصوص بی استعداد ست
و سخن زیر لبی برای خودش دلخراش فریاد ست اکثر وقتها کم فرصت را سیاه می کند
و کاغذ خوش قلم را تباه و در جگر قلم زخم می اندازد و بمداد جدا ز سیاه القلب باقی هوس

## خطاب بمخاطب

| | |
|---|---|
| ای روی تو رشک چمن ای موی تو بال بلا | ای بوی تو بوی سمن ای خوی تو مهر و وفا |
| ای مهر تو باد صبا ای قد تو چون نیشکر | ای قهر تو برق فنا ای خنده تو قرص قمر |
| ای جان جسم عاشقان اکنون فغان از خویش بیان | بستست بشاخ فغان از هیچ نغمه آشیان |
| سهر خدای دو سر آشنو به لطف دلبری | قربان تو صبح و مسا انس و ملک حور و پری |
| چون هفت آمد بیت آن هر گفتنش هفت آسمان | از مهر یار و دشمنان شد هفت هیکل هفتخوان |

## مثنوی هفت بیت بصنعت صنیع چهار سجع و چهار قافیه هر بیت مطلع مشرق مطالع

| | |
|---|---|
| بالای تو شان خدا رخسار تو نور قمر | سیمای تو شمس الضحی گفتار تو شهد و شکر |

| | |
|---|---|
| تصویر تو باغ جنان دربان تو غلمان حسین | تنویر تو برق تپان بالان تو عرش برین |
| پستان تو تازہ ثمر گیسوی تو دام الم | مژگان تو مصراع ترابروی تو تیغ دودم (دہلیز خانہ ۱۲) |
| زانوی تو نور سحر دندان تو در عدن | بازوی تو موج نظر چشمان تو ناوک فگن |
| اندام تو بس نازنین آواز تو جادو نسب | دشنام تو لذت قرین انداز تو قہر و غضب |
| اقرار تو آرام دل انگیز تو داروی جان | انکار تو راحت گسل پرہیز تو مرگ جہان |
| قربان تو آشفتگی تعریف تو صنع خدا | حیران تو حور و پری توصیف تو جہل علی |

۵۳ ہر بیت ایسی وو دو پیکر جلوہ تسخیر گرداہی آں غازہ دو بر قلم بلند طبع ارجمند مصنف ناز

| | | |
|---|---|---|
| بالای تو شان خدا رخسار تو نور قمر | ۱ | سیمای تو شمس الضحا گفتار تو شہد و شکر |
| بالای تو شان خدا نور قمر رخسار تو | ۲ | سیمای تو شمس الضحا شہد و شکر گفتار تو |
| بالای تو رخسار تو شان خدا نور قمر | ۳ | سیمای تو گفتار تو شمس الضحا شہد و شکر |
| بالای تو رخسار تو نور قمر شان خدا | ۴ | سیمای تو گفتار تو شہد و شکر شمس الضحا |
| بالای تو شان خدا گفتار تو شہد و شکر | ۵ | سیمای تو شمس الضحا رخسار تو نور قمر |
| بالای تو گفتار تو شہد و شکر شان خدا | ۶ | سیمای تو رخسار تو نور قمر شمس الضحا |
| بالای تو گفتار تو شان خدا شہد و شکر | ۷ | سیمای تو رخسار تو شمس الضحا نور قمر |
| بالای تو شان خدا شہد و شکر گفتار تو | ۸ | سیمای تو شمس الضحا نور قمر رخسار تو |
| شان خدا بالای تو نور قمر رخسار تو | ۹ | شمس الضحا سیمای تو شہد و شکر گفتار تو |
| شان خدا بالای تو رخسار تو نور قمر | ۱۰ | شمس الضحا سیمای تو گفتار تو شہد و شکر |
| شان خدا نور قمر بالای تو رخسار تو | ۱۱ | شمس الضحا شہد و شکر سیمای تو گفتار تو |
| شان خدا نور قمر رخسار تو بالای تو | ۱۲ | شمس الضحا شہد و شکر گفتار تو سیمای تو |

| | | |
|---|---|---|
| شان خدا بالای تو شهد و شکر گفتار تو | ۱۳ | شمس الضحا سیمای تو نور قمر رخسار تو |
| شان خدا شهد و شکر گفتار تو بالای تو | ۱۴ | شمس الضحا نور قمر رخسار تو سیمای تو |
| شان خدا شهد و شکر بالای تو گفتار تو | ۱۵ | شمس الضحا نور قمر سیمای تو رخسار تو |
| شان خدا بالای تو گفتار تو شهد و شکر | ۱۶ | شمس الضحا سیمای تو رخسار تو نور قمر |
| رخسار تو نور قمر بالای تو شان خدا | ۱۷ | گفتار تو شهد و شکر سیمای تو شمس الضحا |
| رخسار تو نور قمر شان خدا بالای تو | ۱۸ | گفتار تو شهد و شکر شمس الضحا سیمای تو |
| رخسار تو بالای تو شان خدا نور قمر | ۱۹ | گفتار تو سیمای تو شمس الضحا شهد و شکر |
| رخسار تو بالای تو نور قمر شان خدا | ۲۰ | گفتار تو سیمای تو شهد و شکر شمس الضحا |
| رخسار تو سیمای تو نور قمر شمس الضحا | ۲۱ | گفتار تو بالای تو شهد و شکر شان خدا |
| رخسار تو نور قمر شمس الضحا سیمای تو | ۲۲ | گفتار تو شهد و شکر شان خدا بالای تو |
| رخسار تو سیمای تو شمس الضحا نور قمر | ۲۳ | گفتار تو بالای تو شان خدا شهد و شکر |
| رخسار تو نور قمر سیمای تو شمس الضحا | ۲۴ | گفتار تو شهد و شکر بالای تو شان خدا |
| نور قمر رخسار تو شان خدا بالای تو | ۲۵ | شهد و شکر گفتار تو شمس الضحا سیمای تو |
| نور قمر رخسار تو بالای تو شان خدا | ۲۶ | شهد و شکر گفتار تو سیمای تو شمس الضحا |
| نور قمر شان خدا بالای تو رخسار تو | ۲۷ | شهد و شکر شمس الضحا سیمای تو گفتار تو |
| نور قمر شان خدا رخسار تو بالای تو | ۲۸ | شهد و شکر شمس الضحا گفتار تو سیمای تو |
| نور قمر رخسار تو شمس الضحا سیمای تو | ۲۹ | شهد و شکر گفتار تو شان خدا بالای تو |
| نور قمر شمس الضحا سیمای تو رخسار تو | ۳۰ | شهد و شکر شان خدا بالای تو گفتار تو |
| نور قمر شمس الضحا رخسار تو سیمای تو | ۳۱ | شهد و شکر شان خدا گفتار تو بالای تو |

نور قمر رخسار تو سیمای تو شمس الضحا | ۳۲ | شهد و شکر گفتار تو بالای تو شان خدا

۵۳ اگر بتقدیم و تاخیر ارکان همان قاعده پردازند سی و دو بیت دیگر برطرازند

شان خدا بالای تو نور قمر رخسار تو | | شمس الضحا سیمای تو شهد و شکر گفتار تو

۵۴ و ۵۵ چون ابیات مسطوره بالا را بازگونه خوانند همان صنعت ها نقد ابیات اند
اول یک یک رکن معکوس گیرند دوم بدو دو رکن انس پذیرند

گفتار تو شهد و شکر سیمای تو شمس الضحا | | رخسار تو نور قمر بالای تو شان خدا

شهد و شکر گفتار تو شمس الضحا سیمای تو | | نور قمر رخسار تو شان خدا بالای تو

۵۶ اگر در ابیات مثنوی بتقدیم و تاخیر نصف نصف مصاریع بپردازند همان تعدم
و همان صنعت ابیات لطف سمات برطرازند

رخسار تو نور قمر بالاے تو شان خدا | | گفتار تو شهد و شکر سیمای تو شمس الضحا

۵۷ هم درین قاعده هر بیت در پرده رونمائی تقلب هر رکن سرگرم دلربائی

نور قمر رخسار تو شان خدا بالای تو | | شهد و شکر گفتار تو شمس الضحی سیمای تو

۵۸ اگر کسی مصاریع اول مثنوی را دوم و مصاریع دوم را اول سازد معاً این هفت پیکر
خوش منظر همان پردازد بجلوه گری پردازد سپس از هر محبوب محبوب سی و دو دلدار
گرفتن ست و در کوچه سربسته دیگر صنائع همان طریق رفتن ست

سیمای تو شمس الضحا گفتار تو شهد و شکر | | بالای تو شان خدا رخسار تو نور قمر

۵۹ و ۶۰ هم درین قاعده رعایت یکیک رکن و دو دو رکن بتقدیم و تاخیر ملحوظ دارند

شمس الضحا سیمای تو شهد و شکر گفتار تو | | شان خدا بالای تو نور قمر رخسار تو

گفتار تو شهد و شکر شمس الضحا سیمای تو | | رخسار تو نور قمر شان خدا بالای تو

اختراع جدید

مسله — اگر تصحیف مصرع اول و ثانی با هم بدل گردد از قاعده مستحسن که با هم طلوع او شتابه بر نگردد

| | |
|---|---|
| بالای تو شان خدا گفتار تو شهد و شکر | سیمای تو شمس الضحی رخسار تو نور قمر |

مسله — هم درین قاعده تقلب هر رکن شابه یعنی در صفحه صفحه مستحیر از تعداد مطلعها شمی و بهمان قبیح ایجا

| | |
|---|---|
| شان خدا بالای تو شهد و شکر گفتار تو | شمس الضحی سیمای تو نور قمر رخسار تو |

مسله — مصاریع اول و دوم مثنوی که بجای خویش نشسته اند یکان یکان بصنعت رد العجز علی الصدر دل بسته اند تعداد مطلع ها سی و دو دانند اول و دو درین بندها

| | |
|---|---|
| بالای تو شان خدا رخسار تو نور قمر | سیمای تو شمس الضحی گفتار تو شهد و شکر |
| رخسار تو نور قمر تصویر تو باغ جنان | گفتار تو شهد و شکر تنویر تو برق تپان |
| تصویر تو باغ جنان پستان تو تازه ثمر | تنویر تو برق تپان مژگان تو مصراع تر |
| پستان تو تازه ثمر زانوی تو نور سحر | مژگان تو مصراع تر بازوی تو موج نظر |
| زانوی تو نور سحر اندام تو بس نازنین | بازوی تو موج نظر دشنام تو لذت قرین |
| اندام تو بس نازنین اقرار تو آرام دل | دشنام تو لذت قرین انکار تو راحت گسل |
| اقرار تو آرام دل قربان تو آفتگری | انکار تو راحت گسل حیران تو حور و پری |
| رخسار تو نور قمر بالای تو شان خدا | گفتار تو شهد و شکر سیمای تو شمس الضحی |
| بالای تو شان خدا دربان تو غلمان جبین | سیمای تو شمس الضحی بالان تو عرش برین |
| دربان تو غلمان جبین گیسوی تو دام الم | بالان تو عرش برین ابروی تو تیغ دو دم |
| گیسوی تو دام الم دندان تو در عدن | ابروی تو تیغ دو دم چشمان تو ناوک فکن |
| دندان تو در عدن آواز تو جادو نسب | چشمان تو ناوک فکن انداز تو قهر و غضب |
| آواز تو جادو نسب انگیز تو داروی جان | انداز تو قهر و غضب مهمیز تو مرگ جهان |

انگبیز تو داروی جان تعریف تو صنع خدا — پرهیز تو مرگ جهان توصیف تو صلی علی

مثال ۱۴

هم درین صنعت مربوط تقدیم یک یک رکن منوط

بالای تو شان خدا رخسار تو نور قمر — سیمای تو شمس الضحی گفتار تو شهد و شکر
تصویر تو باغ جنان دربان تو غلمان جبین — تنویر تو برق تپان بالان تو عرش برین
نور قمر رخسار تو باغ جنان تصویر تو — شهد و شکر گفتار تو برق تپان تنویر تو
شان خدا بالای تو غلمان جبین دربان تو — شمس الضحی سیمای تو عرش برین بالان تو

مثال ۱۵ و ۱۶

درهمین صنعت اگر بگرفتن دو دو رکن آخر مصرع بیت اول شتا بند و شش رکن اول بیت دوم بآن ضم کنند اول دو دو رکن گیرند دوم تقدیم و تاخیر دران پذیرند

بالای تو شان خدا رخسار تو نور قمر — سیمای تو شمس الضحی گفتار تو شهد و شکر
تصویر تو باغ جنان دربان تو غلمان جبین — تنویر تو برق تپان بالان تو عرش برین
گفتار تو شهد و شکر تصویر تو باغ جنان — دربان تو غلمان جبین تنویر تو برق تپان
شهد و شکر گفتار تو باغ جنان تصویر تو — غلمان جبین دربان تو برق تپان تنویر تو

مثال ۱۷

اگر نصف مصرع اول و دوم بر نگارند تخم بیت دیگر بهان تعداد و صنعت زین سنج بر نگارند

بالای تو شان خدا رخسار تو نور قمر — سیمای تو شمس الضحی گفتار تو شهد و شکر
تصویر تو باغ جنان دربان تو غلمان جبین — تنویر تو برق تپان بالان تو عرش برین
بالای تو شان خدا تصویر تو باغ جنان — سیمای تو شمس الضحی تنویر تو برق تپان
رخسار تو نور قمر دربان تو غلمان جبین — گفتار تو شهد و شکر بالان تو عرش برین

مثال ۱۸ و ۱۹

اگر نصف مصرع بیت اول با نصف مصرع بیت سوم نصف مصرع بیت دوم با نصف مصرع بیت چهارم نصف مصرع بیت سوم با نصف مصرع بیت پنجم نصف مصرع بیت چهارم با نصف مصرع

بیت ششم نصف مصرع بیت پنجم با نصف مصرع بیت هفتم بپیوندد هر بیت بقاعدهٔ مستمرهٔ حسن سی و دو در بندد و اگر بجای سوم چهارم یا پنجم یا ششم یا هفتم باشد همان صنعت بزخم جگر حاسد نمک پاشد بتقدیم و تاخیر ارکان فیفعل معدن در قبضهٔ قدرت صاحب سخن

| | |
|---|---|
| بالای تو شان خدا پستان تو تازه ثمر | سیمای تو شمس الضحا مژگان تو مصراع |
| رخسار تو نور قمر گیسوی تو دام الم | گفتار تو شهد و شکر ابروی تو تیغ دودم |
| تصویر تو باغ جنان زانوی تو نور سحر | تنویر تو برق طپان بازوی تو موج نظر |
| دربان تو غلمان جبین دندان تو در عدن | بالان تو عرش برین چشمان تو ناوک فگن |
| بالای تو شان خدا زانوی تو نور سحر | سیمای تو شمس الضحا بازوی تو موج نظر |
| رخسار تو نور قمر دندان تو در عدن | گفتار تو شهد و شکر چشمان تو ناوک فگن |

۹۲۰

هر بیت مثنوی دیگر قاعدهٔ نامر قومهٔ بالا حاصل سی و دو فرد که از مشاهدهٔ آن جلوه گر است

| | |
|---|---|
| بالای تو شان خدا رخسار تو نور قمر | سیمای تو شمس الضحا گفتار تو شهد و شکر |
| بالای تو شان خدا نور قمر رخسار تو | سیمای تو شمس الضحا گفتار تو شهد و شکر |
| بالای تو رخسار تو نور قمر شان خدا | سیمای تو گفتار تو شمس الضحا شهد و شکر |

۲۱ و ۲۲ و ۲۳

نصف مصرع اول بیت اول و نصف مصرع آخر مصرع اول بیت دوم نصف مصرع اول مصرع دوم بیت سوم نصف مصرع آخر بیت چهارم گیرند و همچنین نصف آخر مصرع بیت اول و نصف اول مصرع دوم بیت دوم و نصف آخر مصرع اول بیت سوم و نصف اول مصرع اول بیت چهارم بپذیرند بهر قاعده چهار چهار فرد بدست آیند

| | |
|---|---|
| بالای تو شان خدا دربان تو غلمان جبین | مژگان تو مصراع چشمان تو ناوک فگن |
| گفتار تو شهد و شکر تنویر تو برق تپان | گیسوی تو دام الم زانوی تو نور سحر |

| ۲۴ گفتار تو شهد و شکر | ۱۷ سیمای تو شمس الضحی | ۸ رخسار تو نور قمر | ۱ بالای تو شان خدا |
|---|---|---|---|
| ۷ بالان تو عرش برین | ۱۴ تنویر تو برق تپان | ۲۵ دربان تو غلمان حبشین | ۱۶ تصویر تو باغ جنان |
| ۱۸ ابروی تو تیغ دودم | ۲۳ مژگان تو مصرع تر | ۲ گیسوی تو دام الم | ۹ پستان تو تازه ثمر |
| ۱۳ چشمان تو ناوک فگن | ۶ بازوی تو صبح ظفر | ۱۵ دندان تو دُرِّ عدن | ۲۶ زانوی تو نور سحر |
| ۲۲ انداز تو شوخ عجب | ۱۹ دشنام تو لذت قرین | ۱۰ آواز تو جادو نسب | ۳ اندام تو بس نازنین |
| ۵ پرهیز تو مرگ جهان | ۱۲ انکار تو رحمت گسل | ۲۷ انگیز تو داروی جان | ۲۰ اقرار تو آرام دل |
| ۲۸ توصیف تو صلی علی | ۲۱ حیران تو حور و پری | ۴ تعریف تو صنع خدا | ۱۱ قربان تو آشفتگی |

| ۲۴ | ۱۷ | ۸ | ۱ |
|---|---|---|---|
| ۷ | ۱۴ | ۲۵ | ۱۶ |
| ۱۸ | ۲۳ | ۲ | ۹ |
| ۱۳ | ۶ | ۱۵ | ۲۶ |
| ۲۲ | ۱۹ | ۱۰ | ۳ |
| ۵ | ۱۲ | ۲۷ | ۲۰ |
| ۲۸ | ۲۱ | ۴ | ۱۱ |

| ۱۶ | ۱۹ | ۸ | ۱ |
|---|---|---|---|
| ۹ | ۲ | ۱۵ | ۱۸ |
| ۲۰ | ۱۷ | ۱۰ | ۷ |
| ۳ | ۱۴ | ۲۱ | ۲۸ |
| ۲۴ | ۲۷ | ۶ | ۱۱ |
| ۱۳ | ۴ | ۲۵ | ۲۲ |
| ۲۶ | ۲۳ | ۱۲ | ۵ |

| ۱۸ | ۱۵ | ۸ | ۱ |
|---|---|---|---|
| ۹ | ۲ | ۱۹ | ۱۶ |
| ۲۸ | ۱۷ | ۱۴ | ۷ |
| ۳ | ۱۰ | ۲۷ | ۲۰ |
| ۲۴ | ۲۱ | ۶ | ۱۳ |
| ۱۱ | ۴ | ۲۳ | ۲۶ |
| ۲۲ | ۲۵ | ۱۲ | ۵ |

| ۱۸ | ۱۵ | ۸ | ۱ |
|---|---|---|---|
| ۹ | ۲ | ۱۷ | ۲۸ |
| ۱۶ | ۱۹ | ۱۴ | ۷ |
| ۳ | ۱۰ | ۲۷ | ۲۰ |
| ۲۴ | ۲۱ | ۶ | ۱۳ |
| ۱۱ | ۴ | ۲۳ | ۲۶ |
| ۲۲ | ۲۵ | ۱۲ | ۵ |

اختراع جدید

## تاریخ طبع نزهش طبع اعجاز نگار روز نتیجه قلم سحر نگار مولوی سید سجاد حسین سلمه الله تعالی متخلص بفلک

چون رقم زد مثنوی کلک وقار — از سواد چشم حوران بهشت

تخم طرز نو ز حسن فکر خویش — واقعی در مزرعه ایجاد کشت

لیلی نظمش مبین مثل قیس — در هوای شوق بی آتش برشت

از هجوم صنعتش چون کوه کن — فرق خود حاسد شکست از سنگ خشت

رو بروی عشق آن یوسف نژاد — خوبی عشق زلیخا محض زشت

از شمیم نشئه مضمون نو — سرزمین شعر شد عنبر سرشت

لاجرم تاریخ طبعش را فلک — آفتاب مشرق معنی نوشت

۱۲۹۴ھ

## خاتمة الطبع

هر طراز ستایش خدا که ناقوس در شوقش اساس صنم گرم خروشیت شان سخن سرائیت جل جلاله و هر پیرایه نیایش کبریا که صنم در یادش هر برهمن به خموشیت نشان زبان آرائیت عم نواله اما بعد کمترین عباد شیوه پیشا از تعصب چشم می پوشد و بعرض امر واقعی که حق طرف باشد میکوشد بحکم جناب خدایگانی سرکار قدردانی امیدگاه اشاعت علم اهل روزگار منشی نول کشور مالک مطبع اوده اخبار کاپی مثنوی والا جناب معلی القاب محمود سبحان هر وا امصار که رکن کار وقار دام اقباله بدست قلم من تحریر گردید و در ماه دسمبر ۱۸۷۶ع پیرایه طبع پوشیده در صحن مطبع موصوف خرامید — تعریف مثنوی از حد تحریر و تقریر من برتر است مختصر اینکه مثنوی نیست جلوه قدرت یزدانست چون در مقام در کوچه سر بسته تاریخ شتافتم تاریخ تصنیف قابل فطم ۱۲۹۴ھ و تاریخ طبع دفتر صنعت یافتم ۱۲۹۴ھ